و مى‌گویند: «ما را چه شده است که مردانى را که ما آنان را از [زمره‌] اشرار مى‌شمردیم نمى‌بینیم؟ (62) آیا آنان را [در دنیا] به ریشخند مى‌گرفتیم یا چشمها[ى ما] بر آنها نمى‌افتد؟» (63) این مجادله اهل آتش قطعاً راست است. (64) بگو: «من فقط هشداردهنده‌اى هستم، و جز خداى یگانه قهار معبودى دیگر نیست. (65) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، همان شکست‌ناپذیر آمرزنده. (66) بگو: «این خبرى بزرگ است، (67) [که‌] شما از آن روى برمى‌تابید. (68) مرا در باره ملاء اعلى هیچ دانشى نبود آنگاه که مجادله مى‌کردند. (69) به من هیچ [چیز] وحى نمى‌شود، جز اینکه من هشداردهنده‌اى آشکارم. (70) آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشرى را از گِل خواهم آفرید. (71) پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده‌کنان براى او [به خاک‌] بیفتید.» (72) پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند. (73) مگر ابلیس [که‌] تکبر نمود و از کافران شد. (74) فرمود: «اى ابلیس، چه چیز تو را مانع شد که براى چیزى که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آورى؟ آیا تکبر نمودى یا از [جمله‌] برترى‌جویانى؟» (75) گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌اى و او را از گِل آفریده‌اى.» (76) فرمود: «پس، از آن [مقام‌] بیرون شو، که تو رانده‌اى. (77) و تا روز جزا لعنت من بر تو باد.» (78) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزى که برانگیخته مى‌شوند مهلت ده.» (79) فرمود: «در حقیقت، تو از مهلت‌یافتگانى، (80) تا روز معین معلوم.» (81) [شیطان‌] گفت: «پس به عزّت تو سوگند که همگى را جداً از راه به در مى‌برم، (82) مگر آن بندگان پاکدل تو را.» (83)